

تئوری مقدماتی موسیقی

نوشتۀ ایگور ولادیمیرویچ اسپاشین

ترجمۀ مسعود ابراهیمی





نشر کھنیاگر

تلفن: ۴۴۶۶۸۹۴۳ (تلفکس) و ۰۹۱۹۱۲۶۸۱۰۶

Email: khonyagarPub@gmail.com

کانال نشر کھنیاگر: telegram.me/khonyagarPublications

تتوری مقدماتی موسیقی

نویسنده ایگور ولادیمیرویچ اسپاشین

مترجم مسعود ابراهیمی

نت نویس، حروف نگار و صفحه آرا شهاب مینا

طراح جلد محمد صادق حیدری

چاپ سوم ۱۴۰۲

تعداد ۵۰۰ نسخه

© حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۹۷۳-۴-۸-۹ ISBN: 978-600-94973-4-8

فهرست

۷	مقدمه مترجم
۹	مقدمه
۱۱	فصل اول: صدا. ارتفاع صدا
۲۷	فصل دوم: صدا. ارتفاع صدا (ادامه)
۳۷	فصل سوم: ریتم. متر. تمپو
۷۹	فصل چهارم: فواصل
۱۰۵	فصل پنجم: آکوردها
۱۱۷	فصل ششم: مفاهیم کلی مُد و عناصر آن
۱۲۳	فصل هفتم: ماژور
۱۴۱	فصل هشتم: مینور
۱۵۱	فصل نهم: فواصل و آکوردهای اصلی ماژور و مینور. حل فواصل و آکوردها
	فصل دهم: تئالیته‌های همنام. بررسی مقایسه‌ای ماژور و مینور. امکانات بیانی ماژور و مینور.
۱۶۳	تعیین تئالیته اثر
	فصل یازدهم: دیاتونیزم. پنتاتونیک. انواع خاص ماژور و مینور دیاتونیک. مفاهیم کلی پاره‌ای
۱۸۷	مُد‌های دیگر
۲۰۵	فصل دوازدهم: مفاهیم کلی مُدولاسیون و خویشاوندی تئالیته‌ها. کروماتیزم. گام کروماتیک
۲۱۹	فصل سیزدهم: انتقال
۲۲۳	فصل چهاردهم: حرکت ملودیک. انواع دینامیک. مفهوم بافت
۲۴۵	فصل پانزدهم: اطلاعاتی از حوزهٔ نحو موسیقی
۲۵۵	ضمیمهٔ I: علائم اختصاری نت‌نویسی
۲۵۹	ضمیمهٔ II: طرح‌های حرکات رهبری
۲۶۱	ضمیمهٔ III: پاره‌ای اصطلاحات موسیقایی
۲۶۶	راهنمای کتاب تکالیف و تمرینات تئوری مقدماتی موسیقی، تألیف و.و. جُوستِنکو

فصل اول صدا. ارتفاع صدا

۱. صدا. صدا به عنوان یک پدیده فیزیکی در حکم حرکات نوسانی یک جسم، منبع صدا (سیم، ستون هوا در ساز بادی، صفحه، پوست و غیره) است؛ منبعی که امواج صوتی (غلیظ و رقیق شدن های متناوب در هوا) را به وجود می آورد.

تأثیر امواج صوتی بر اعضای شنوایی، که از طریق عصب شنوایی به مغز منتقل می شود، احساس صدا را ایجاد می کند. احساس، طبق تعریف و.ا. لینین، «تبدیل انرژی تحریک بیرونی به واقعیت آگاهی است.»^۱ به این ترتیب، منبع صدا، امواج صوتی و عملکرد دستگاه شنوایی به طور عینی وجود دارند. بنابراین، کل سلسله این پدیده بدین قرار است: نوسانات منبع صدا، امواج صوتی، تأثیر امواج صوتی بر اعضای شنوایی، انتقال تحریک انجام شده به مغز توسط عصب شنوایی.

در طبیعت، کثرت بی پایانی از اصوات وجود دارد اما همه اصوات نمی توانند در حکم مصالح موسیقی باشند.

اصوات موسیقایی، برخلاف سروصدا، از ویژگی های خاصی برخوردارند: آنها اصواتی برگزیده و سازمان یافته در سیستمی معین اند؛ سیستمی که در فرآیند چندین قرنی تکامل فرهنگ موسیقایی تدوین شده است و برای بیان اندیشه ها و تجسم های موسیقایی به کار برده می شود.

۱. و.ا. لینین، مجموعه آثار، جلد چهاردهم، ص ۳۹.

۲. خواص و کیفیات صدا. ویژگی‌های فیزیکی خاص صدا (بسامد نوسانات، طول، دامنه و ترکیب نوسانات) را خواص صدا می‌نامند. انعکاس خواص فیزیکی صدا در حواس ما به منزله کیفیات صدا است. کیفیات صدا عبارتند از: ارتفاع (زیرومی)، کشش (دیزند)، بلندی صدا (شدت) و تمبر (رنگ). اکنون کیفیات صدا را جداگانه بررسی خواهیم کرد و خواص فیزیکی به وجود آورنده آنها را بر خواهیم شمرد.

ارتفاع صدا بستگی به بسامد نوسانات صوتی دارد. هر قدر نوسان بیشتر باشد، همان قدر صدا بالاتر یا زیرتر است. هر قدر نوسان کمتر باشد، همان قدر صدا پایین‌تر یا بم‌تر است. ارتفاع ممکن است با میزان متفاوتی از وضوح ظاهر شود. به همین دلیل، اصوات به دو گروه تقسیم می‌شوند: ۱. اصوات دارای ارتفاع معین؛ ۲. اصوات فاقد ارتفاع معین.

شنوایی انسان قادر به درک اختلاف ارتفاع (به طور تقریبی) از ۱۶ تا ۲۰۰۰۰ نوسان در ثانیه است اما در موسیقی، به طور عمده، اصوات دارای ارتفاع معین در حدود (تقریباً) ۱۶ تا ۴۰۰۰ نوسان در ثانیه به کار گرفته می‌شوند. این محدودیت مرتبط با عملکرد قوه بیان و آوازخوانی انسان است. ضمناً در گفتار و آوازخوانی اصوات در محدوده باز هم کمتری به کار گرفته می‌شوند.

تئوری موسیقی تقریباً صرفاً به اصواتی می‌پردازد که دارای ارتفاع معین‌اند. در این کتاب سیزده فصل از پانزده فصل به ارتفاع صدا اختصاص یافته است. فصل‌های اول، دوم، چهارم تا چهاردهم و تا حدودی فصل پانزدهم. اصوات فاقد ارتفاع معین به طور محدودی در موسیقی به کار گرفته می‌شوند. این‌گونه اصوات در بخش سازهای ضربی در دوره سازشناسی و آرکستراسیون بررسی می‌شوند.

کشش صدا به طول حرکت نوسانی بستگی دارد. در این دوره بخش‌های فصول سوم، چهاردهم و پانزدهم به کشش‌های صدا اختصاص دارند. بلندی صدا به شدت حرکت نوسانی، که در دامنه نوسان مجسم می‌گردد، وابسته است. در این کتاب بخشی از فصل چهاردهم به بلندی صدا اختصاص دارد.

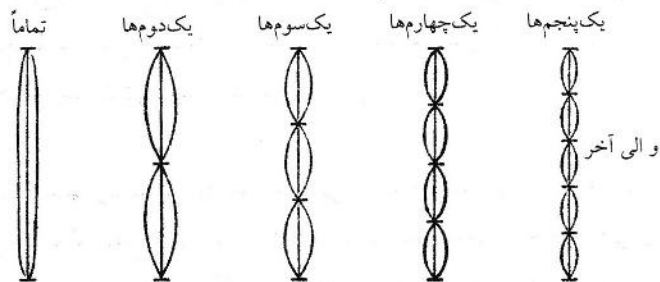
تمبر یا رنگ صدا به ترکیب صدا بستگی دارد (توضیحات مفصل‌تر را در پایین ببینید).

در اثر تفاوت تمبرها ما صدای یک شخص را از شخصی دیگر، صدای یک ساز را از سازی دیگر والی آخر تشخیص می‌دهیم.

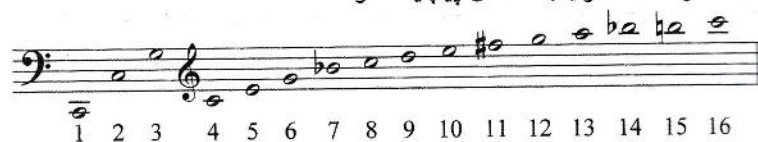
هر صدا حالت یک تُن ساده را ندارد، بلکه تلفیقی از بسیاری تُن‌ها را معرفی می‌کند؛ این تُن‌ها در نتیجه نوسان منبع صدا نه فقط تماماً، بلکه هم‌زمان نیز جزء به جزء (یک دوم، یک سوم، یک چهارم، یک پنجم والی آخر) به وجود می‌آیند.

نوسان منبع صدا به تمامی بسامد اصلی را تولید می‌کند؛ یعنی صدایی را که بیشتر قابل شنیدن است و یگانه صدا به نظر می‌آید. یک دوم‌ها صدایی با بسامدی دو برابر بسامد اصلی، یک سوم‌ها سه برابر بسامد اصلی، یک چهارم‌ها چهار برابر بسامد اصلی والی آخر را تولید می‌کنند. در نتیجه این نوسانات هم‌زمان پیچیده نیز صدایی با ترکیب پیچیده به وجود می‌آید. همه این اجزای ترکیبی صدای پیچیده را تُن‌های جزئی یا اُپرتُن‌ها می‌نامند (به طرح نگاه کنید). شماره هر اُپرتُن، که به عنوان مخرج کسر (با صورت کسر) فرض شده است، بدان معنا است که این اُپرتُن با کدام جزء از منبع صدا منتشر می‌شود.

طرح نوسانات یک منبع صدا (سیم):



نتیجه نوسانات (ترکیب صدای پیچیده دو):



آزمایش زیر در حکم تجسم این پدیده است.

با درپوش باز پیانوی رویال (پیانوی دیواری برای این آزمایش مناسب نیست) انگشت روی یکی از حدود اجزای برابرسیم ($\frac{1}{4}$ ، $\frac{1}{4}$ و...) گذاشته می‌شود. (با جابه‌جایی انگشت می‌توان این مرز را پیدا کرد.) صدایی که در این میان با فشار کلایه منطبق با این سیم تولید می‌شود نیز به منزله اُپرتُن خواهد بود. تمبر (رنگ) بستگی به سه عامل دارد: ۱. کدام یک از اُپرتُن‌های اصولاً ممکن برای هر صدا در واقع وجود دارند؛ ۲. کدام یک از آنها قوی‌تر از دیگران صدا می‌دهند؛ ۳. با چه ترتیبی آنها (اُپرتُن‌ها) ظاهر می‌شوند. تئوری مقدماتی جنبه تمبری موسیقی را بررسی نمی‌کند. سازشناسی و ارکستراسیون به این مقوله می‌پردازند.

چهار کیفیتی که در بالا توصیف شدند قطعاً در هر صدا و نتیجتاً در تلفیق سلسله‌اصواتی که برای بیان ایده‌های موسیقایی به کار می‌روند نیز ظاهر می‌شوند. از این کیفیات، دو کیفیت اول [ارتفاع و کشش م.] اهمیت بیشتری دارند. این مسئله را می‌توان به راحتی با مثال زیر ثابت کرد: هرگونه ملودی (مثلاً سرود ملی)، که بدون تغییرات در ارتفاع و کشش اصوات اجرا شده است، به راحتی تشخیص داده می‌شود، خواه با آواز اجرا شده باشد خواه روی یک ساز، خواه بلند، خواه آهسته. با آنکه در این شرایط کاراکتر ملودی تغییر می‌یابد، در هر صورت ملودی همان ملودی باقی می‌ماند.

۳. سیستم موسیقایی. ردیف صدایی. مجموع اصواتی که در موسیقی به کار می‌روند و از ارتفاع معین برخوردارند سیستم موسیقایی را به وجود می‌آورند. این سیستم نتیجه رشد طولانی مدت پراکتیک موسیقایی جامعه بشری است. اساس این دوره را سیستم متداول در موسیقی کلاسیک اروپایی و نیز روسی تشکیل می‌دهد.

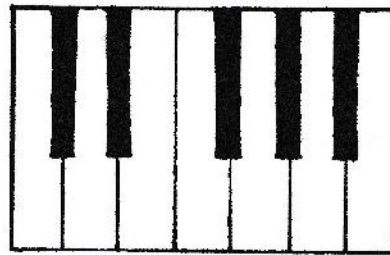
اصوات سیستم موسیقایی را ردیف صدایی می‌نامند. این اصوات به صورت بالارونده یا پایین‌رونده استقرار یافته‌اند.

سیستم موسیقایی قبل از همه در نتیجهٔ پراکتیکِ آوازخوانی به وجود آمده است. به همین علت، بخش اعظمی از این سیستم را اصواتی تشکیل می‌دهند که ارتفاعشان مناسب صدای انسان است. گسترش موسیقی سازی موجب تکمیل این سیستم با تعدادی اصوات دیگر در محدودهٔ پیش‌تر ذکرشدهٔ ۱۶ تا ۴۰۰۰ نوسان در ثانیه شد. با این حال، منطقهٔ صوتی برای اجرای فصیح‌تر و گویاتر روی سازها، تقریباً با منطقهٔ صوتی‌ای که صداهای انسان در آن آواز می‌خوانند (تقریباً از ۶۰ تا ۱۰۰۰ نوسان در ثانیه) یکی است.

سیستم موسیقایی و ردیف صدایی آن روی پیانو به طور بارزتری نمایان می‌شوند. روی پیانوی معاصر ۸۸ صدا با ارتفاع مختلف وجود دارد. اصوات بالای این تعداد در موسیقی تقریباً نامتداول‌اند.

۴. درجه. درجات اصلی ردیف صدایی و نام آنها. صدای سیستم موسیقایی را درجه می‌نامند. هفت درجهٔ سیستم موسیقایی (ردیف صدایی) را درجات اصلی می‌نامند. هر درجه نام مستقلی دارد. اصواتی که روی کلایه‌های سفید پیانو تولید می‌شوند معادل درجات اصلی‌اند.

مثال ۱.



ut

نام‌های هجایی do re mi fa sol la si

نام‌های الفبایی c d e f g a h

Elementary Theory of Music

I.V. Sposobin

Translated by
M. Ebrahimi

کتاب درسی تئوری مقدماتی موسیقی، اثر موزیکولوگ و یداکوگ برجسته روس، انگور ولادیمیرویچ اسپاسوبین، سال‌هاست به صورت گسترده در دوره‌های تئوری مقدماتی موسیقی در مؤسسات آموزشی موسیقی در روسیه تدریس می‌شود و می‌تواند به صورت خودآموز هم مورد استفاده قرار گیرد. ویژگی‌های خاصی که این کتاب در مقایسه با کتب دیگری که در سال‌های اخیر در این حوزه در ایران چاپ شده‌اند دارد نیز محرک دیگری برای ترجمه این کتاب بوده است. از جمله: رویکرد متفاوت نسبت به تعریف و طبقه‌بندی انواع مختلف مترها و میزان‌ها، توجه ویژه به موضوع مدها و ارتباط درجات پایدار و ناپایدار در مدها، مبحث مفصل درباره فواصل و موضوع فواصل ویژه یا خاص، اطلاعات مربوط به نحو موسیقایی (ساختمان موسیقایی، کادانس‌ها، پرئود، جمله و غیره)، مدولاسیون، انتقال، ملیسم‌ها و...

با توجه به اهمیت زیاد تئوریات عملی در حوزه تئوری موسیقی، مترجم کتاب تئوریات و تکالیف تئوری مقدماتی موسیقی، تألیف و جوستیکورا هم به فارسی ترجمه کرده که تئوریات آن به موازات فصل‌های این کتاب به کار گرفته می‌شوند و همراه با کتاب حاضر توسط ناشر عرضه شده است.